

**Journal iranian political sociology**

Vol. ۵, No. ۱, Azar ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.329819,3119>**The consequences of the Syrian war on the rights and health of children and how to protect them****Abstract**

Throughout history, war has inflicted horrific casualties on children, but modern warfare skills make children more crippled and abused than ever before. Given this necessity, the purpose of this article is to examine the consequences of the Syrian war on the rights and health of children and how to protect it. The results show that in the context of global action to increase child protection in armed conflict, this article examines a wide range of important issues related to children's rights and health in the postwar period, and states that issues such as ending amnesty for crimes against children Ending resistance to war, providing children with a place in security programs, controlling and declaring violations of children's rights in war, responding to the scale of sexual conflict and building peace, involving adolescents in reconstruction, supporting children in terrorist attacks, improving information Gathering information and psychoanalysis of children in war, educating and paying attention to children's rights and gender, establishing a social community to support children, preparing resources for children affected by war should be considered as an urgent request in international organizations and courts To be placed.

**Keywords**

War, terrorist attacks, child soldiers, sexual violence, child asylum

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره نهم،  
آذر ۱۴۰۱، صص ۱۲۴۷-۱۲۳۰

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.329819.3119>

### پیامدهای جنگ سوریه بر حقوق و سلامت کودکان و چگونگی حمایت آنها

محمد رضا عزیزی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

سید باقر میرعباسی<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

سهراب صلاحی<sup>۳</sup>

### چکیده

در سراسر تاریخ، جنگ تلفات وحشتناکی را برای کودکان تحمیل کرده است اما مهارت‌های جنگی مدرن، کودکان را بی‌رحمانه‌تر و حساب‌شده‌تر از قبل معلول می‌کند و مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. با توجه به این ضرورت هدف مقاله حاضر بررسی پیامدهای جنگ سوریه بر حقوق و سلامت کودکان و چگونگی حمایت از آن می‌باشد. نتایج نشان داد که در طی اقدامات جهانی به منظور افزایش حمایت از کودکان در جنگ‌های مسلحانه، این مقاله یک طیف گسترده‌ای از مسائل مهم مرتبط با حقوق و سلامت کودکان را در دوران پساجنگ بررسی می‌کند و بیان می‌داد که مسائلی همچون پایان یافتن بخشودگی برای جرم علیه کودکان و پایان یافتن مقاومت برای جنگ، فراهم کردن جایگاه برای کودکان در برنامه‌های امنیتی، کنترل و اعلام نقض حقوق کودکان در جنگ، واکنش نسبت به وسعت درگیری‌های جنسی و ایجاد صلح، درگیر شدن نوجوانان در بازسازی، حمایت کردن از کودکان در حملات تروریستی، بهبود بخشیدن اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات و روان‌کاوی کودکان در جنگ، آموزش و توجه روی حقوق کودکان و جنسیت، تأیید جامعه اجتماعی برای حمایت از کودکان، آماده کردن منابع برای کودکان متأثر از جنگ باید در قالب یک درخواست فوری در سازمان‌ها و محاکم بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ، حملات تروریستی، کودکان سرباز، خشونت جنسی، پناهندگی کودکان

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد قشم، قشم، ایران reza.azizi54@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد حقوق بین‌الملل، استاد گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mirabbasi@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار حقوق بین‌الملل کیفری، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران Salahi.sohrab@gmail.com

در سراسر تاریخ، جنگ تلفات وحشتناکی را برای کودکان تحمیل کرده است اما مهارت‌های جنگی مدرن، کودکان را بی‌رحمانه‌تر و حساب‌شده‌تر از قبل معلول می‌کند و مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. درگیری‌های مدرن امروزی به‌طور خاص برای کودکان مرگبار هستند، زیرا تفاوت‌های کمی بین جنگجوها و غیرنظامی‌ها ایجاد می‌شود. در دهه‌های اخیر، میزان غیرنظامی‌های زخمی و کشته‌شده به‌طور چشمگیری از ۵٪ تا بالای ۹۰٪ قربانی‌ها افزایش یافته است (Murthy & Lakshminarayana, ۲۰۰۶, p. ۲۵). امروزه، جنگ اغلب دلالت بر سطوح وحشتناک خشونت و وحشیگری از تجاوز و ویرانی محصولات تا خراب کردن چاه‌ها و کشتار دسته‌جمعی علنی دارد. تجاوزهای وحشیانه علیه کودکان و جوامع آنها منجر به این شد که ۲۰ میلیون بچه در حال حاضر از خانه‌هایشان، یا به‌عنوان پناهنده یا به‌طور ناخودآگاه آواره شوند و کودکان خودشان می‌توانند به‌عنوان جنگجو درگیر شوند و در مهلکه‌ای گرفتار شوند که در آن نه تنها اهداف جنگ نیستند، بلکه حتی مقصر فجایع می‌باشند. در هر زمان بیش از ۳۰۰/۰۰۰ بچه در جنگ‌ها به عنوان سرباز مورد استفاده قرار می‌گیرند (Forrest et al, ۲۰۱۸, p. ۱۰۶۷). وحشیگری‌های انجام شده به‌طور همیشگی علیه کودکان در جنگ، یک ایراد جدی را برای قانون بین‌المللی ایجاد می‌کند. علی‌رغم این حقیقت که جامعه بین‌المللی اسناد زیادی را برای حمایت از حقوق بشر و برای تعقیب مجرمان کشتارهای جمعی ایجاد کرده است اما این تعهدها تنها به اندازه‌ی تمایل حزب‌های ایالات و سایرین برای حمایت کردن از آنها مؤثر می‌باشند و بسیاری وظایف و مسئولیت‌هایشان را بدون مجازات نادیده گرفته‌اند (Vindevoel et al, ۲۰۱۴, p. ۱۳۹).

کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین گروه جامعه همواره در برابر فشارهای ناشی از مشکلات زندگی قرار می‌گیرند چرا که عدم توانایی بدنی و فیزیکی آنها و بی‌تجربگی‌شان در برابر زندگی، آنان را سخت شکننده و آسیب‌پذیر می‌کند. حمایت از کودکان که آینده سازان جهانند، نیاز به تغییر رویکرد جدی از سوی اندیشمندان و سیاستمداران جهان دارد. اگر بر آنیم که فردا در صلح و آرامش باشد، باید امروز به آن بیندیشیم. چرا که کودک امروز جنگ، لامحاله سرباز جنگ افروز فردا خواهد شد. کودکی که با خشونت و بی‌رحمی بزرگ می‌شود، این بی‌رحمی را نسبت به هموعان خود نشان می‌دهد. کودکی که جنگ را تجربه می‌کند، برای دیرزمانی احساس عدم امنیت می‌کند. این عدم امنیت به شکل‌های مختلف در رفتار او بروز می‌کند (Sahib et al, ۲۰۱۷, p. ۳۲۵). دیدن صحنه‌های خشونت‌بار جنگ با چهره وقیح و بی‌رحمش چیزی نیست که برای بی‌پناهی آنان قابل تحمل باشد. لذا هدف از ارائه این مقاله، بررسی آثار مخرب جنگ و حملات تروریستی بر زندگی کودکان می‌باشد که ممکن است در تمام مراحل و ابعاد زندگی آنها تأثیر گذار باشد. همچنین ضمن بررسی راه‌های جبران و جلوگیری از جنگ و عواقب آن، به بررسی کنوانسیون‌های مرتبط با این موضوع از دیدگاه حقوق بین‌الملل نیز پرداخته شده است. همچنین سعی شده است که به این سؤال پاسخ داده شود که جنگ و

حملات تروریستی چه آثار و عواقبی بر زندگی کودکان دارد؟ آیا راهکارهای قانونی و بین المللی می‌تواند در بهبود آسیب‌های روانی کودکان مؤثر باشد؟ کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان، چگونه کودکان را مورد حمایت قرار می‌دهد؟

## ۲. وضعیت کودکان در دوران پس از جنگ و حملات تروریستی در سوریه

### ۲-۱. آواره‌گی و بی‌سرپرستی کودکان

یکی از عوامل جابجایی و آواره‌گی وسیع انسانها در طول تاریخ، جنگ و نزاع‌های مسلحانه بوده است. کودکان به دلیل آسیب‌پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان جنگی را تشکیل می‌دهند. کودکان آواره و بی‌سرپرست از جمله کودکان قربانی جنگ و مخاصمات مسلحانه داخلی هستند. جابجایی کودکان برای پرهیز از مشکلات جنگ در داخل و خارج کشور و از دست دادن یکی از والدین یا هردوی آنها بدلیل وضعیت جنگی، یکی از دستاوردهای منفی این پدیده است (Kastrup, ۲۰۰۶, p. ۳۳). قواعد حقوق جنگ و کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های مربوط به حقوق کودکان توسط دولت‌ها، کودکان آواره و بی‌سرپرست را چه در اردوگاه‌ها و چه در خارج از آن، با گرسنگی، بیماری‌های جسمی و روحی و فقدان امکانات تحصیلی مناسب و بطور کلی با عدم امکان یک زندگی مناسب روبرو ساخته‌است تا جایی که به نظر یونیسف وضعیت این کودکان بحرانی است. به دلیل آموزه‌های دینی و روحیه مهمان‌دوستی ایرانیان، وضعیت کودکان آواره از جنگ به‌ویژه کودکان سوری و عراقی در ایران از لحاظ تعلیم و تربیت تاحدی مناسب به نظر می‌رسد، اما در سایر کشورها به ویژه در آفریقا و خاورمیانه قواعد اولیه برای کاهش جنگ، به نفع مناطق جنگ کنار گذاشته می‌شود. کودکان در بیشتر موارد قربانیان غیرمستقیم جنگ و مخاصمات مسلحانه داخلی هستند. در این میان وضعیت دو گروه، کودکان آواره و بی‌سرپرست بیشتر از سایر موارد قابل تأمل و بررسی است (Austin et al, ۲۰۰۰, p. ۱۹۶).

زندگی در اردوگاه‌های سوریه مشکلات متعددی را برای کودکان به دنبال دارد و کودکان را با آسیب‌های روحی مواجه می‌سازد. کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره به دلیل آسیب‌پذیری خود با خطرات جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند که حمایت ویژه‌ای را طلب می‌کند. مشکل کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌های مسری و غیرمسری، جدایی از خانواده، سربازی اجباری و حتی سوءاستفاده‌های جنسی و ترک تحصیل از جمله عواملی هستند که رشد جسمی و روحی آنان را با مشکلاتی روبرو می‌سازد (Kellezi, & Reicher, ۲۰۱۴, p. ۴۹۱). حتی در این اردوگاه‌ها نیز بدلیل شرایط نامناسب بهداشتی، تعارضات فرهنگی بین ساکنان اردوگاه، کمبود مواد غذایی و غیره شرایط آوارگان و بویژه کودکان با شرایط طبیعی بسیار فاصله دارد. به طور کلی جابجایی و آواره‌گی کودکان علاوه بر نتایج جسمی و روحی، عواقب آموزشی و تربیتی نیز به دنبال دارد که در این زمینه می‌توان به تأخیر تحصیلی و ازدست دادن انگیزه تحصیلی اشاره کرد که حتی بازپروری آنان را در مدارس کشور محل اسکان بسیار دشوار و در بعضی موارد غیرممکن می‌سازد (Reicherter & Sugarbaker, ۲۰۱۳, p. ۸۶۹). کودکان بی‌سرپرست در سوریه، گروه دیگری از کودکان قربانی جنگ و حملات تروریستی داعش هستند.

در زمان جنگ یا درحین جابجایی و آوارگی ناشی از حملات تروریستی به شهرهای مختلف در سوریه، اکثر کودکان در سوریه، پدر یا مادر یا هر دو را از دست دادند و چنین امری تأثیرات منفی متعددی بر زندگی کودکان داشت (Palmer et al, ۲۰۱۹, p. ۸۷۱). اولین تأثیر، ناراحتی روانی ناشی از فقدان پدر یا مادر و از دست دادن روحیه است. برای کودکان بی‌سرپرست آینده مبهم به نظر می‌رسد. عدم تغذیه مناسب و اشتغال برای کمک به خانواده از جمله عواملی است که امکان اعراض از تحصیل را به وجود می‌آورد و آنان را از مدرسه دور می‌کند. باید توجه داشته باشیم که اگر در مورد بعضی کودکان بی‌سرپرست وجود اقوام نزدیک می‌تواند تاحدی خلأ عاطفی ناشی از فقدان والدین را پرکند، مشکل کودکانی که تمامی اعضای فامیل خود را از دست می‌دهند، بسیار حادثتر است و وضعیت آنان حمایت بیشتری را می‌طلبد. سازمان بهداشت جهانی در مورد کودکان عراقی و سوری به این موضوع اشاره می‌کند که اثرات روانی فقدان والدین، این کودکان را سال‌ها و حتی تا پایان عمر رها نخواهد کرد (Taleb et al, ۲۰۱۵, p. ۶۷).

## ۲-۲. سربازگیری تروریست‌ها از کودکان

براساس تعریف ارائه شده در سطح بین‌الملل، «کودک سرباز» به کسی گفته می‌شود که در سن زیر ۱۸ سال به عضویت سازمانی وابسته به ارتش، نیروهای شبه‌نظامی یا احزاب سیاسی در می‌آید. خواه این گروه‌ها درگیر جنگ باشند یا نه. کودکان سرباز می‌توانند نقش‌های متعددی ایفا کنند، از جمله شرکت در جنگ و درگیری، کاشت مین و مواد منفجره، جاسوسی، تهیه آذوقه و مهمات، آشپزی و خدمات خانگی و درنهایت سوءاستفاده جنسی (Almohammad, ۲۰۱۸ p. ۸). به طور کلی استفاده نظامی از کودکان در جنگ و بخصوص در حملات تروریستی به سه شکل صورت می‌گیرد:

- به کارگیری به عنوان کودک سرباز؛ بدترین حالت در این نوع کاربرد، زمانی است که جنگ نیاز به قربانی دارد. کودکان به خط مقدم فرستاده می‌شوند تا با قربانی شدن آنها تاکتیک‌های نظامی جنگ‌سالاران، پیاده شود.

- استفاده از آنها در فعالیت‌های پشتیبانی مانند نگهبانی، جاسوسی و بردگی جنسی.

- استفاده از کودکان برای تبلیغات در جنگ، که در این حالت از کودکان سرباز به عنوان دیده‌بان، پیام‌رسان و حتی سپر انسانی، استفاده می‌شود (Almohammad, ۲۰۱۸, p. ۸).

سوء استفاده‌های گسترده و رو به افزایش از کودکان به عنوان سرباز، یکی از وحشیانه‌ترین ویژگی‌های درگیری‌های اخیر می‌باشد. در طول دهه‌های گذشته، صدها هزار بچه کمتر از ۱۸ سال، یک قسمتی از نیروهای دولتی، نیروهای شورشی و گروه‌های شبه‌نظامی را تشکیل دادند. یک سرباز کودک، هر بچه پسر یا دختر کمتر از ۱۸ سال می‌باشد که به اجبار، یا خشونت و یا داوطلبانه در جنگ توسط نیروهای مسلح، شبه نظامی‌ها، بخش‌های دفاع داخلی یا سایر گروه‌های مسلح به خدمت گرفته می‌شوند. سربازهای کودک، برای کارهای جنسی اجباری مانند رزمنده‌ها، پیک‌ها، باربرها و آشپزها، مورد استفاده قرار می‌گیرند. بیشتر نوجوانان هستند، اگرچه

بسیاری ۱۰ ساله و کوچکتر و اکثریت پسر می‌باشند اما به طور کلی قسمت عمده دختران می‌باشند (Almohammad, ۲۰۱۸, p. ۱۱).

کودکان اقلیت بومی به‌طور خاص، در معرض خطر هستند. کودکان با روش‌های مختلف سرباز می‌شوند، یعنی به خدمت گرفته می‌شوند، سایرین اجباراً دزدیده می‌شوند، با وجود این گروهی دیگر به گروه‌های مسلح ملحق می‌شوند به خاطر اینکه متقاعد می‌شوند که این راهی برای حمایت از خانواده‌هایشان می‌باشند. علاوه بر این، استخدام شدن برای نیروهای مسلح دولتی یا گروه‌های مسلح مخالف کودکان برای گروه‌های شبه‌نظامی متحددولتی، شبه‌نظامیان یا نیروهای دفاع داخلی به خدمت گرفته شده‌اند. در حالی که بسیاری از کودکان برای ملحق شدن به گروه‌های نیروهای مسلح مجبور می‌شوند، دیگران احتمالاً خودشان را برای خدمت معرفی می‌کنند به هر حال آن گمراه کننده است که این را به عنوان «داوطلبانه» در نظر بگیریم. به جای به کارگیری انتخاب آزاد، این کودکان غالباً به مجموعه‌ای از فشارها یعنی فشارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی واکنش نشان می‌دهند (Sujashvili, ۲۰۲۰, p. ۱۴۹). یکی از مهم ترین این فشارها، فقر می‌باشد. والدینی که فقیر هستند و سوسه می‌شوند کودکانشان را برای خدمت عرضه کنند. مخصوصاً وقتی نیروها، حقوق سربازهای بچه را مستقیم به خانواده‌هایشان می‌پردازند، کودکان خودشان داوطلب می‌شوند و این تنها راهی است که غذای دائمی، لباس و مراقبت‌های پزشکی آنها را تضمین می‌کند. به‌هرحال ارتباط اقتصادی یک بچه با ارتش پیچیده تر می‌باشد. هنگامی که در شرایطی، کل خانواده با نیروهای مسلح فعالیت می‌کند. مغزشویی ایدئولوژیکی سربازهای بچه می‌تواند نتایج نابود کننده‌ای داشته باشد. کودکان تأثیرپذیر هستند و احتمالاً حتی به طرف طرفداران شهادت کشیده می‌شوند. برای مثال در سربلانکا، بعضی بزرگسالان از بی‌تجربگی افراد جوان برای منفعت خودشان استفاده کرده‌اند و نوجوانان را برای بمب‌گذاری‌های انتحاری، به خدمت گرفتند و تعلیم دادند (Sujashvili, ۲۰۲۰, p. ۱۵۱).

وقتی کودکان به خدمت گرفته می‌شوند، به‌همان روش بزرگسالان با آنها رفتار می‌شود، یعنی ابتدا با مراسم‌های معرفی که اغلب وحشیانه است، بسیاری با مراسم‌های حمایتی شروع کردند که مشکلات و خطر بزرگی را در پی داشت (Heinke, ۲۰۱۷, pp. ۱۷-۲۲).

یک شغل رایج برای کودکان که قرار است به‌عنوان باربر کار کنند، حمل بارها با وزن حداکثر ۶۰ کیلوگرم می‌باشد که می‌تواند شامل هر چیزی از مهمات تا سربازهای زخمی باشد. آن‌هایی که نمی‌توانند این بارهای سنگین را حمل کنند، خطر کتک‌های وحشیانه و حتی اعدام را قبول می‌کنند. در واقع، کتک‌های استبدادی و سایر شکل‌های خشونت در سربازهای صفر عادی می‌باشد. از طرف دیگر، کودکانی که به عنوان رزمنده‌های «خوب» محسوب می‌شوند، پاداش‌هایی مانند غذای اضافی یا ارتقای درجه دریافت می‌کنند و پسرها احتمالاً برای خدمات اجباری جنسی، دخترهایی را در اختیار دارند. هم دختران و هم پسران اغلب مجبور می‌شوند خدمات جنسی فراهم کنند. در نمونه‌ای از دخترهای دزدیده شده در نیروهای مسلح تقریباً همه ی دخترها به بردگی جنسی کشانده می‌شوند. اکثریت آنها به عفونت‌های ویروسی جنسی (STIs) و به‌طور فزاینده‌ای HIV مبتلا می‌شوند. دخترهای دزدیده شده به سن ۱۰ سال، به‌عنوان

برده‌های جنسی توسط فرمانده‌های گروه‌های تروریستی نگه داشته شده‌اند. زمانی که فرمانده‌ها می‌میرند، دخترها طبق معمول برای تطهیر مراسم کنار گذاشته می‌شوند و سپس به شورش دیگری داده می‌شوند (Elsafti et al, ۲۰۱۶, p. ۸۷۹).

اگرچه کودکان در آغاز برای حمایت کردن از مراسم‌ها منصوب می‌شوند اما آنها اغلب خودشان را در بحبوحه‌ی جنگ پیدا می‌کنند. در این موقع بی‌تجربگی آنها و فقدان آموزش، آنها را بی‌پناه می‌کند. در شرایط واقعی جنگ، کوچک‌ترین کودکان به‌ندرت متوجه خطراتی می‌شوند که با آن روبرو هستند. بعضی از فرمانده‌ها عمداً از شجاعت ظاهری کودکان سوءاستفاده می‌کنند تا حدی که به آنها قبل از درگیری، الکل یا موادمخدر می‌دهند. پیامد چنین خشونت‌هایی از نظر عاطفی نابودکننده می‌باشد. بسیاری از کودکان حتی بعد از اینکه آنها از خدمت مرخص می‌شدند با کابوس‌ها و توهم‌هایی که می‌تواند سال‌ها طول بکشد، شکنجه می‌شوند (Meiqari et al, ۲۰۱۸, p. ۳۸۲).

### ۳. تلفات جنگ و حملات تروریستی بر سلامت کودکان و راه‌های مقابله با آن

هزاران کودک، هر ساله به‌عنوان نتیجه مستقیم جنگ از جراحات‌های چاقو، گلوله، بمب و مین می‌میرند. اما بسیاری از کودکان دیگر از بیماری و سوءتغذیه رنج برده و به‌واسطه درگیری می‌میرند. جنگ‌ها ذخیره‌های غذایی را از بین می‌برند و محصولات و زیربنای کشاورزی را خراب می‌کنند. آنها سیستم‌های بهداشتی و آب همراه با خدمات بهداشتی را ویران می‌کنند و جنگ‌ها تمام افراد را آواره کرده و خانواده‌ها و جوامع را از هم جدا می‌کند. همه این موارد خسارات جسمی و روحی بسیار زیادی روی کودکان دارد. مواجه شدن با سوءتغذیه، بیماری‌های رایج دوران کودکی و عفونت‌های سریع، هزاران بچه دچار حرکت نابودکننده ضعف سلامتی می‌شوند (Shaw, ۲۰۰۳, p. ۲۴۰۲).

تعدادی از بالاترین نرخ‌های مرگ در میان کودکانی اتفاق می‌افتد که از خانه‌هایشان آواره شده‌اند از جمله آنهایی که در اردوگاه‌ها برای پناهندگی به سختی زندگی می‌کنند و در داخل آواره شده‌اند خطرهای بیش از این تشدید می‌شوند جایی که کمک‌های امدادی کافی نمی‌باشد، این کمک‌ها غیرعادلانه تقسیم می‌شود (Brett, ۲۰۰۰, p. ۱۴۲). وقتی که جنگ‌ها شروع می‌شوند همه کودکان در معرض خطر هستند، اما به‌مراتب آسیب‌پذیرترین آنها کسانی هستند که زیر سن ۵ سال هستند و قبلاً دچار سوءتغذیه شده‌اند. به‌ازای هر بچه‌ای که توسط جنگ کشته می‌شود، سه‌بچه زخمی یا برای همیشه معلول می‌شوند. برطبق سازمان بهداشت جهانی (WHO)، جنگ و خشونت‌های سیاسی علت‌های اصلی جراحی، آسیب دیدگی و معلولیت جسمی می‌باشد. بسیاری از کسانی که در طول و بعد از درگیری‌ها توسط مین‌ها زخمی و کشته می‌شوند کودکان هستند. تنها ۵٪ از کودکان معلول در کشورهای درحال توسعه به خدمات اجتماعی از جمله توانبخشی از هر نوع دسترسی دارند درحالی‌که سایر حمایت‌ها فقط برای ۱۰ تا ۲۰ درصد کسانی که به آنها نیاز دارند در دسترس می‌باشد (Phadera, ۲۰۲۱, p. ۵۲۱). برطبق سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل متحد کمتر از ۲ درصد کودکان معلول در مدارس حاضر می‌شوند.

در طول ۵ سال گذشته، بیماری‌های ایدز، سوء تغذیه و جدیداً نیز بیماری کرونا دورنمای جنگ برای کودکان را بیش از هر عالم دیگری تغییر داده است. شرایط آشفته و وحشیانه درگیری تمام عوامل تشدیدکننده بیماری‌های ایدز، سوء تغذیه و بیماری کرونا را بدتر می‌کند و بی‌ثباتی را تقویت کرده که باعث افزایش درگیری، گسترش مرگ‌ومیر، رنج و آشوب اجتماعی می‌شود و نیز کودکان را از مهم‌ترین حقیقت محروم می‌کند. درحقیقت، جدی‌ترین تهدید برای امنیت انسانی است که جهان تاکنون دیده است (ب. ۹۵۰، ۲۰۱۸، p. ۹۵۰). (Elsafti - Yesil et al).

در ژانویه سال ۲۰۰۰ شورای امنیت UN، HIV/AIDS را به‌عنوان یک تهدید مهم برای صلح و امنیت شناسایی کرد. کودکان و زنان درگیر در آشوب جنگ، در معرض سوء استفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند که احتمال عفونت‌های انتقالی را افزایش داده و گسترش HIV را آسان می‌کند. در سراسر جهان HIV/AIDS هم‌اکنون تقریباً ۴ میلیون بچه را کشته‌است و ۱۳ میلیون دیگر یتیم شدند. به اندازه ۱۰ برابر افرادی که از ایدز می‌میرند در صحرای آفریقا در جنگ می‌میرند (Taskarina, ۲۰۲۰, pp. ۱۱-۱۰).

با کشته شدن معلم‌ها، کارکنان بهداشت، مدیران دولتی، و سایر کارمندان بخش دولتی، هم‌مخاصمات مسلحانه و هم HIV/AIDS و کرونا بسیاری از سازمان‌ها را که می‌توانند به کاهش تأثیر بیماری همه‌جانبه کمک کنند، تضعیف می‌کند. ویرانی مدارس، مراکز بهداشت و سایر ساختمان‌های دولتی در دسترس جوانان و جوامع را به اطلاعاتی راجع به حفظ زندگی، بسیار سخت می‌کند و مراکز بهداشت اگر هنوز هم کار می‌کنند آن‌قدر کار اضافی به دوش می‌کشند که امید کمی برای تشخیص HIV/AIDS و بیماری‌های مرتبط با آن و همچنین بیماری جدید کرونا وجود دارد، چه برسد به اینکه آنها را درمان کنند. خشونت‌های فیزیکی گسترده، احتمال اینکه کودکان در معرض خون‌آلوده به HIV قرار خواهند گرفت را افزایش می‌دهد. حتی درمان زخم‌های مرتبط با جنگ می‌تواند خطر عفونت را از طریق تزریق خون تشدید کند (Tekeli-Yesil et al, ۲۰۱۸, p. ۹۵۰). در چندسال اخیر برخی از کودکانی که در شش مرکز پناهنده در سوریه مردند، قربانیان عفونت‌های تنفسی ناشی از کرونا بودند. این در حالی است که اخیراً کرونا، به‌عنوان یک تهدید علیه سلامتی در بسیاری از قسمت‌های جهان ظاهر شده‌است و با عدم رعایت بهداشت فردی در مکانهای عمومی تشدید شده‌است. مخاصمات مسلحانه همچنین به‌طور چشمگیری امکان بالقوه برای شیوع عفونت‌های مسری جنسی از جمله HIV/AIDS را افزایش می‌دهد. احتمال و تعداد فعالیت جنسی در طول جنگ افزایش می‌یابد. انتقال HIV/AIDS در جنگ می‌تواند همچنین توسط آسیب‌پذیری شدید زنان و دختران به خشونت جنسی و اجبار تسریع شود (Taskarina, ۲۰۲۰, p. ۱۸). این خطرات با قطع خدمات بهداشتی و نبود آزمایش خون در خدمات تزریق خون افزایش می‌یابد.

#### ۴. حمایت از حقوق کودکان

در طول ۵۰ سال گذشته ارزش‌ها و هنجارهای انسانی به یک چارچوب گسترده قانونی بین‌المللی تدوین شده است که دو بخش اصلی آن، قانون بشردوست بین‌المللی و قانون حقوق بشر می‌باشد. اگرچه این دو بخش به‌طور جداگانه توسعه یافته‌اند اما مکمل بودنشان به‌طور



فزاینده‌ای آشکار شده است. در مسئله درگیر کردن حمایت کودکان در مخاصمات مسلحانه، مهم‌ترین پل بین این بخش‌ها کنوانسیون حقوق کودکان می‌باشد.

۱) **کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان:** با تصویب کنوانسیون حقوق کودکان، جامعه بین‌المللی تعهد سیاسی، قانونی و اخلاقی‌اش را برای حراست از حقوق کودکان و فراهم کردن حمایت‌شان به عنوان «منطقه صلح» اعلام کرد. برطبق این کنوانسیون، دولت‌ها همواره موظف به حمایت از کودکان از جمله در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه می‌باشند. دولت‌هایی که کنوانسیون را تأیید کرده‌اند موظف هستند اصول و معیارهای آن را در قانون ملی وارد کنند و اجرای آن قوانین را اطمینان دهند. نقض سوءاستفاده از حقوق کودکان در طول مخاصمات مسلحانه توسط دولت‌ها یا سایر گروه‌ها باید توسط جامعه بین‌المللی برای آنچه آنها هستند شرم آور و تحمل‌ناپذیر بررسی شوند (Sahin et al. ۲۰۲۰, p. ۱۳۸). کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های افزوده شده ۱۹۷۷ اسناد اصلی قانون بشردوست می‌باشند که بر حمایت گروه‌های آسیب‌پذیر نظارت می‌کند. آن‌ها برای درگیری بین ایالت‌ها، برای موجودیت غیردولتی و برای مخاصمات مسلحانه در داخل ایالت‌ها مناسب می‌باشند. آن‌ها به نیاز برای فراهم کردن مراقبت و کمک برای کودکان در جنگ داخلی، از جمله آموزش و تجدید دیدار خانواده‌ها تأکید دارند. کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های افزوده شده همچنین تصریح می‌کند که به کودکان توجه خاص داده شود و در مقابل هر نوع هتک ناموس حمایت شوند. آن‌ها مانع انتقال کودکان به کشور دیگر می‌شوند مگر وقتی که ضرورت داشته باشد. به طور کلی قانون بشردوست، یک توافق بین اصل نظامی و مسائل بشردوستانه ارائه می‌دهد بنابراین آن عمل می‌شود: اذعان کردن به اینکه جنگ‌ها اتفاق می‌افتند، این قانون دولت‌های متخاصم را مجبور می‌کند گرفتاری غیرنظامی‌ها را به حداقل برسانند و آن‌ها را ملزم می‌کنند که از کودکان حمایت کنند اما چنین حمایتی کافی نمی‌باشد مخصوصاً برای کودکانی که گرفتار جنگ داخلی هستند (Sandelowsky-Bosman & Liefwaard, ۲۰۲۰, p. ۱۵۳). قانون حقوق بشر، حقوقی را ایجاد می‌کند که هر فردی باید همواره چه در صلح و چه در جنگ از آن بهره‌مند شوند. علاوه بر کنوانسیون حقوق کودکان این قسمت از قانون شامل تعدادی از پیمان‌های تخصصی می‌باشد که به‌طور خاص به حمایت کودکان در جنگ مربوط می‌باشد. پیمان بین‌المللی در مورد حقوق سیاسی و مدنی بسیاری از حقوق از جمله حق زندگی، حقوق برای آزادی از بردگی، شکنجه و بازداشت‌های استبدادی تأکید می‌کند. پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق برای غذا، لباس، خانه، بهداشت و آموزش تأکید می‌کند. علاوه بر این، پیمان‌هایی وجود دارد که با موضوعات خاص یا گروه‌های خاصی از مردم سروکار دارند و شامل مسائلی مانند قتل عام، شکنجه، پناهنده‌ها و تبعیض نژادی می‌شود. کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان، خشونت مبتنی بر جنسیت را به‌عنوان یک شکلی از تبعیض مورد توجه قرار می‌دهد و به‌طور خاص به حقوق زنان برای حمایت مساوی در طول مخاصمات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی متذکر می‌شود (Taskarina, ۲۰۲۰, p. ۷). کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودکان (CRC) که توسط ۱۹۱ کشور تأیید شد، بیشترین حمایت خاص و گسترده را برای کودکان در طول زمان صلح و جنگ فراهم می‌

کند. تنها دو کشور سومالی و ایالات متحده آمریکا هنوز این پیمان حقوق بشر را تأیید نکرده اند. این کنوانسیون یک چارچوب قانونی را ایجاد می‌کند که در آن کودکان مالک مستقیم حقوق می‌باشند و نیز به شخصیت متفاوت قانونی آنها اذعان می‌کند. آن یک لیست جامع از حقوق از جمله حق زندگی، حق خانوادگی، کمک و مراقبت ضروری، بهداشت، غذا، آموزش و حق برای اسم و هویت ملی تأکید می‌کند. ضمانت حمایت خاص در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه که در ماده ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون گنجانده شده، کامل بودن قانون بشردوست و قانون حقوق بشر را نشان می‌دهد. در اصطلاح رسمی و قانونی، تنها ایالت‌ها می‌توانند طرف قرارداد با CRC و سایر پیمان‌های حقوق بشر باشند بنابراین آنها مسئولیت اصلی را برعهده دارند تا اطمینان دهند که این پیمان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و اجرا می‌شود. چون قانون حقوق بشر از ابتدا برای حمایت از شهروندان در مقابل تجاوز ایالت‌ها تصور شده، عاملان غیردولتی طبق سنت در نظر گرفته نشده اند تا به‌طور مستقیم توسط آنها متعهد شوند. این تفسیر محدودتر به تدریج در پرتو تعداد فزاینده مخاصمات مسلحانه که در داخل ایالت‌ها اتفاق می‌افتد و جایی که عاملان غیردولتی در جنگ با دولت و با یکدیگر می‌باشند وسعت داده می‌شود (Liu, ۲۰۱۷, pp. ۵-۳). اگرچه قانون حقوق بشر همیشه اعمال می‌شود که بسیاری از پیمان‌های حقوق بشر به دولتها این امکان را می‌دهند که فعالیت حقوق مشخصی را به‌طور موقت در طول یک موقعیت اضطراری آشکار متوقف کنند، اما تعدادی از حقوق مطلق هرگز نمی‌توانند متوقف شوند. حق زندگی، حق آزادی از شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز، حق برای آزادی از بردگی و حق برای آزادی از حقوق جزای قابل اعمال. در پرتو این امر، کمیته حقوق کودک تأکید کرده است که تفسیرهای مثبت‌تر باید همیشه غالب باشند تا گسترده‌ترین توجه‌های احتمالی را برای حقوق کودکان مخصوصاً در طول جنگ زمانی که آنها بیشتر در معرض خطر هستند فراهم کنند (Sandelowsky-Bosman & Liefwaard, ۲۰۲۰, p. ۱۴۸). اگرچه دولتها در درگیری، حششان را برای متوقف کردن بعضی حقوق مطالبه کنند اما تحقیر تنها به لحاظ قانونی تحت شرایط خیلی خاص و سخت امکان‌پذیر می‌شود. به‌هرحال، دولتها قصد نادیده گرفتن چنین شرط‌هایی در طول درگیری دارند و احتمالاً آزادی و حقوق اصلی را نقض یا رد می‌کنند. حمایت قانونی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی به طور منظم در دسترس نمی‌باشد. و دلیل آن این است که تجاوز به حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه نه تنها یک مسئله‌ی از نگرانی ملی در نظر گرفته می‌شود بلکه همچنین یک تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد (Liu, ۲۰۱۷, pp. ۵-۳).

۲) **کنوانسیون حمایت از حقوق پناهندگان:** کنوانسیون ۱۹۵۱، همراه با پروتکل ۱۹۶۷ آن، مهم‌ترین اسناد برای حمایت از پناهنده‌ها در کشورهای پناهندگی می‌باشد. این‌ها توسط اسناد پناهنده‌های محلی به‌ویژه سازمان اتحاد آفریقا ۱۹۶۹، کنوانسیون ناظر بر ابعاد خاص مشکلات پناهندگان در آفریقا و بیانیه کارتاژنا ۱۹۸۴ در مورد پناهندگان تکمیل می‌شدند. دولتها مسئولیت اصلی برای اطمینان دادن به حمایت از پناهندگان در داخل مرزهایشان را دارند. به UNHCR دستور داده می‌شود که حمایت برای پناهندگان را فراهم کند و راه‌حل‌های ثابت برای موقعیت

های پناهنده‌ها پیدا کند. به‌هرحال، افراد آواره داخلی (IDPs) حقوقی مانند پناهندگان را ندارند. اگرچه IDPs برطبق قانون بین‌المللی حقوق بشر و قانون بشردوست مانند غیرنظامی‌ها، حقوق قانونی دارند اما اینها اغلب عملاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. آن‌ها هیچ گروه مراقبت مجزا ندارند چون آنها قرار بود توسط دولت خودشان حمایت شوند. UNHCR کمک و حمایت برای IDPs فراهم خواهد کرد وقتی که توسط یک دولت و انجمن عمومی UN درخواست کمک می‌شود اگرچه به انجام این کار مجبور نیست. به لحاظ تاریخی، هر یک کمک یا حمایت که IDPs دریافت کرده‌اند نتیجه اقدامات خارج از کنترل چندین آژانس UN و NGOs بوده است (Sandelowsky-Bosman & Liefwaard, ۲۰۲۰, p. ۱۵۵).

**۳) کشاندن مجرمان پای میز محاکمه:** با درخواست ایجاد یک دادگاه جنایی، دبیرکل UN بیان می‌دارد: «بسیاری تصور می‌کردند که نگرانی‌های جنگ جهانی دوم یعنی اردوگاه‌ها، ظلم، نابودی، قتل‌عام یهودیان نمی‌تواند دوباره اتفاق افتد. هنوز آنها در کلمبیا، بوسنی و هرزگوین، رواندا شاهد این نگرانی‌ها هستند». برای پایان دادن به چنین جرم‌هایی در جولای سال ۱۹۹۸ وقتی قانون دادگاه جنایی بین‌المللی روم تصویب شد، به محض اینکه تعداد موردنیاز از ۶۰ کشور این قانون را تصویب کردند، ICC اولین دادگاه جنایی ثابت بین‌المللی جهان خواهد شد تا برای اعمال قتل‌عام، جرم‌هایی علیه انسانیت و جرم‌های جنگی به افراد فشار آورد. قانون ICC شامل شرط‌هایی می‌شود که به‌طور خاص برای کودکان مفید می‌باشد (Seet, ۲۰۲۱, p. ۱۷۶). به خدمت فراخواندن یا اسم‌نویسی کردن کودکان زیر ۱۵ سال در داخل گروه‌های مسلح یا گروه‌های سازمان یافته یا استفاده از آنها برای شرکت فعالانه در عملیات جنگی، به عنوان یک جرم جنگی قابل‌کیفر می‌باشد. ICC هیچ حق نظارتی بر کودکان زیر ۱۸ سال را ندارد زیرا تصور نمی‌شود که آنها توانایی ارتکاب جرم‌های بی‌نهایت زجرآور را داشته باشند که مربوط به دادگاه خواهد شد. این قانون با ربط دادن مسئولیت جنایی به فرمانده‌ها و مافوق‌هایی که کودکان را برای ارتکاب به جنگ آموزش می‌دهند، کنترل می‌کنند و دستاویز قرار می‌دهند فراتر می‌رود. در چارچوب قانون ICC، جرم‌های علیه انسانیت شامل قاچاق زنان و کودکان می‌شود. تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحشا، حاملگی اجباری و عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی به علت اهمیت قابل‌قیاس آن‌ها هم به‌عنوان جرم‌های جنگی و هم جرم‌هایی علیه انسانیت در نظر گرفته می‌شود (Frías, ۲۰۲۰, p. ۷۹). این قانون همچنین به‌عنوان جرم‌های جنگی عمدی، حملات مستقیم به مدرسه، بیمارستان‌ها، افراد غیرنظامی، کارکنان کمک‌های بشردوستانه و وسیله نقلیه تعریف می‌شود. انتقال اجباری کودکان از یک گروه ملی، نژادی، قومی یا مذهبی در معرض خطر به گروه دیگر در طبقه قتل‌عام قرار داده می‌شود. قانون ICC نیاز بچه را در طول دوره بررسی‌های دادگاه و پیگردهای قانونی موردتوجه قرار می‌دهد. آن برای انتصاب قاضی‌ها و مشاوران حقوقی با تخصص در مورد حقوق کودکان و در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت درخواست می‌دهد. قانون برای ایجاد یک شهود و قربانی به‌منظور حمایت از امنیت، سلامت جسمی و روانی، امور شخصی قربانیان و شاهدان در جلسه دادگاه درخواست می‌دهد. وقتی قربانیان بچه یا شاهدان در جلسه دادگاه شرکت می‌کنند، دادگاه می‌تواند قسمت

اجرائی صورت جلسه را به طور خصوصی و توسط الکترونیک یا روش های دیگر بررسی کند. به دنبال راهنمایی دادگاه ها، در جولای سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد و کامبوج به یک توافق موقتی در مورد یک دادگاه جنایی بین المللی به منظور امتحان کردن رهبران خمروگ برای قتل عام و سایر فجایع رسیدند. این طرح که شامل کامبوجی ها و وکیل مدعی های بین المللی می شود هنوز در انتظار تصویب توسط مجلس کامبوج می باشد که نارضایتی آن احتمالاً ناشی از معاشرت های قبلی اعضا با خمروگ می باشد. در آگوست سال ۲۰۰۰، انجمن امنیت سازمان ملل متحد ایجاد یک دادگاه خاص برای سیرالئون را تصویب کرد. به منظور این که آنها را با بزرگ ترین مسئولیت برای فجایع مرتکب شده در طول جنگ داخلی آن کشور امتحان کند. حق قانونی دادگاه خاص شامل جرم های مرتکب شده در سیرالئون طبق قانون ملی آن کشور، جرم های علیه انسانیت، جرم های جنگی و سایر نقض های جدی قانون بشردوست بین المللی می باشد (Shaw, ۲۰۰۳, p. ۲۴۰۷).

**۴) تبدیل کردن استانداردهای بین المللی به واقعیت: تصویب و اجرای فوری و گسترده استانداردهای بین المللی به حمایت از کودکان در جنگ خیلی کمک خواهد کرد. با وجود این اگر آنها به طور گسترده شناخته، درک و اجرا شوند مؤثر خواهند بود. استانداردهای حقوق بشر و بشردوستانه، ارزش های اصلی انسانی را منعکس می کنند که در همه جوامع وجود دارد. آنها باید در قوانین ملی نشان داده شوند و به زبان های محلی و ملی ترجمه شوند. رایج کردن قانون از طریق رسانه های گروهی و هنرها می تواند به پیشرفت فرهنگ حقوق انسانی کمک کند (Wolf, ۱۹۹۹, p. ۲۵۵). در رواندا، برای مثال، صندوق US سرمایه کودکان، Haguruka و UNICEF از توسعه یک نمونه رسمی CRC حمایت کردند. این نمونه در قانون رواندایی تصویب شده و از طریق رادیو، نمایش و مطالب چاپ شده تبلیغ شده است. تجاوزهای آشکار حقوق بشر به طور فزاینده ای علت اساسی درگیری و بحران های بشردوستانه می باشد. به هر حال، پروسه ها و مکانیسم ها به منظور کنترل، گزارش، تحت پیگرد قانونی قرار دادن و اصلاح چنین تجاوزهایی به طرز اسفباری ناکافی می باشد. یک سیستم بین المللی مؤثر برای حمایت از حقوق کودکان به یک کنترل عادلانه، مؤثر و فوری نیاز دارد. هر وقت که حقوق کودکان پایمال می شود و مقامات ملی در اقدام ناموفق هستند جامعه بین المللی باید دولت ها و سایر عاملان را مسئول به شمار آورد. در داخل سازمان ملل متحد مسئولیت اصلی برای کنترل تجاوزهای حقوق بشر در عمل به عهده کمیسیون حقوق بشر می باشد. کمیسیون می تواند اطلاعات را از هر منبعی و از طریق یک سیستم مستقل و گروه تحقیق دریافت کند و یک نقش فعال در جمع آوری اطلاعات و ارتقای فعالیت داشته باشد. با این اطلاعات کمیسیون می تواند تجاوزها را تبلیغ و اقدام به ترغیب ایالت ها برای تغییر تدابیرشان کند. بعد دیگر کنترل توسط گروه های بین المللی مربوط به نظارت بر تعهدات پیمان می شود. هر یک از اصول پیمان های حقوق بشر یک قسمت کنترل کننده دارد که متشکل از کارشناسان مستقل می باشد (Carpenter, ۲۰۱۳, pp. ۱-۱۱).**

کمیته UN و به ویژه کمیته حقوق کودکان برای به عهده گرفتن کنترل و گزارش دقیق از خشونت های مرتکب شده علیه کودکان در موقعیت های جنگ، در یک وضعیت خاص قرار دارند. با

توجه به همکاری نزدیک با گروه‌های UN، آژانس‌های تخصصی و سایر هیئت‌های کارآمد، کمیته حقوق کودکان دقیقاً در موقعیت بررسی اقدامات انجام شده این شرط قرار می‌گیرد تا آگاهی در مورد معیارهای بین‌المللی را ارتقا دهد، توانایی ساختن را در میان کارکنانشان افزایش دهد و ارزیابی‌ها را در مورد روش‌ها و راهبردهای آنها گسترش دهد. گروه‌های ایالت CRC برای تمام کودکان سرزمین‌شان بدون تبعیض مسئول هستند. با تصویب کنوانسیون گروه‌های ایالات، نقش کمیته حقوق کودکان را در کنترل اجرای کنوانسیون پذیرفته‌اند و تأیید کرده‌اند که حمایت از کودکان فقط یک مسئله ملی نمی‌باشد بلکه وظیفه قانونی جامعه بین‌المللی است. این مسئله به طور خاص مهم می‌باشد زیرا بسیاری از شدیدترین تجاوزهای حقوق کودکان در موقعیت‌های درگیری اتفاق می‌افتد جایی که هیچ دولت ملی کارآمدی وجود ندارد یا اینکه توانایی آن دولت برای فراهم کردن حمایت از کودکانش و جلوگیری از تجاوز به حقوقشان بسیار محدود می‌باشد (Odermatt, ۲۰۱۳, p. ۱۹). ماده ۱ کنوانسیون ژنو، دولت‌ها را ملزم می‌کند تا فراهم آوردن توجه برای کنوانسیون‌ها را برعهده گیرند. به عنوان مثال نگهبان قانون بشردوست بین‌المللی، کمیته صلیب سرخ بین‌المللی توسط جامعه بین‌المللی ملزم شده است تا درخواستش را توسط همان گروه‌ها برای جنگ بررسی کند. در این موقعیت، ICRC ایالات را برای اقدام عملی در زمان صلح، ترغیب می‌کند تا اطمینان دهد که اصول قانون بشردوستانه در صورت وقوع جنگ اعمال خواهد شد (Dormann, K., & Maresca, ۲۰۰۴, p. ۲۱۷).

در شرایطی که حمایت از کودکان در جنگ مورد توجه قرار می‌گیرد، مشارکت گسترده‌تر دولت‌ها، NGOs و آژانس‌های UN در کنترل گزارش سوءاستفاده‌ها مورد نیاز می‌باشد. اغلب در مورد خط مقدم، آژانس‌های بشردوستانه کاملاً در موقعیت کنترل و گزارش تجاوز و سوءاستفاده از حقوق کودکان قرار می‌گیرد. اما در گزارش تجاوزها، سازمان‌های بشردوست در معرض خطر اخراج از کشور ذیربط قرار می‌گیرند یا به طور جدی اقداماتشان محدود می‌شود. بدون چنین گزارش‌هایی جامعه بین‌المللی در توانایی‌اش برای ارزیابی موقعیت‌های درگیری و گسترش واکنش‌های مناسب محدود می‌شود بنابراین دبیرکل UN نیاز برای تطبیق ارائه کمک بشردوستانه با دفاع از حقوق بشر تأکید کرده است ۲۸۹ و برای ادغام فعالیت حقوق بشر در موقعیت فعالیت‌های بشردوستانه درخواست داده است (World Health Organization, ۱۹۹۹, p. ۲۵۲).

به‌طور مشابه، دبیرکل برای ادغام فعالیت حقوق بشر در اخطارهای اولیه و تلاش‌های ایجاد و حفظ صلح درخواست کرده است. درنهایت، گزارش هیئت در مورد عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد به نحو قابل ملاحظه‌ای اصلاح طرح مأموریت میدانی و آمادگی توانایی مأمور عالی‌رتبه حقوق بشر را پیشنهاد کرد. این هیئت همچنین از مأمور عالی‌رتبه درخواست کرد تا به‌طور گسترده‌تری در طراحی و اجرای اصول عملیات ایجاد صلح که حقوق بشر را مورد بررسی قرار می‌دهد شرکت کند (Liu, ۲۰۱۷, pp. ۵-۳). مسیرهای مناسب پنهانی یا آشکار باید در سطح ملی و در عرصه بین‌المللی ایجاد شود تا از طریق آن اهمیت نگرانی جدی مربوط به کودکان را گزارش کنند. مأمور عالی‌رتبه حقوق بشر، سازمان‌های ملی و مأموران ویژه،

سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و انجمن‌های حرفه‌ای باید به طور جدی در این مورد به کار گرفته شوند، منابع باید برای تقویت کنترل و گزارش در مورد تجاوز حقوق کودکان در دسترس قرار گیرد. این منابع باید همچنین با استفاده مؤثرتر، واضح‌تر، سریع‌تر از اطلاعات مذکور توسط گروه‌های بین‌المللی فعال در زمینه حقوق کودکان همراه شود. علی‌رغم اقدامات امیدبخش، امکانات بالقوه فراوان معیارهای بین‌المللی به عنوان یک ابزار مؤثر برای اطمینان دادن به اینکه زندگی کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد استفاده نشده است. حقوق کودکان همچنان در موقعیت‌های جنگ مورد تجاوز قرار می‌گیرد و به‌طور غیرقابل قبولی درجه بالایی از بخشودگی برای چنین تجاوزها و سوءاستفاده‌هایی به قوت خود باقی می‌ماند. دو دادگاه تشکیل شده توسط انجمن امنیت UN برای بررسی تجاوزهای آشکار در رواندا و یوگسلاوی سابق، مهم‌ترین اقدامات ابتکاری برای پایان دادن به بخشودگی می‌باشد. با وجود این، در واقع آنها نتیجه شکست جامعه بین‌المللی برای نجات افراد در این کشورها از قتل‌عام می‌باشد. اجرای معیارهای بین‌المللی برای محافظت از حقوق کودکان به اقدامات احتیاط‌آمیز به‌علاوه اصلاح نیاز دارد. این معیارها وجود دارند با وجود اینکه اغلب هیچ‌گونه قصد سیاسی برای عملی کردن به آنها وجود ندارد (Singer, ۲۰۰۵, p. ۱۱۴).

**۵) آماده‌کردن منابع برای کودکان جنگ‌زده:** کشورهای در حال تغییر با چالش‌های اقتصادی زیادی مواجه می‌شوند. بسیاری از جوامع منابع بسیار کمی برای بازسازی دارند. آنها احتمالاً با پیامدهای سیاست زمین سوخته مواجه می‌شوند که به محیط تأسیسات و زیربنایی صدمه زده است یا قادر به استفاده از جاده‌ها یا زمین‌های کشاورزی به علت مین‌ها نمی‌باشند. پیشرفت‌های انجام شده در طول دوره‌ی کوتاه‌مدت بهبودی فوری پس از پایان جنگ به عنوان غرامت داده می‌شوند. وقتی که بودجه‌های ضروری تمام می‌شود و کارکنان امدادی بین‌المللی به سراغ بحران بعدی می‌روند، شکست در حمایت از بهبودی طولانی‌مدت می‌تواند صلح ناپایدار را تضعیف کند و موجب جنگ دوباره شود. معیارها و پرونده‌های متفاوت بودجه برای کمک بشردوستانه و کمک توسعه هماهنگی را سخت‌تر می‌کند. تصمیمات در مورد بودجه به جای اینکه براساس نیازها تعیین شود، بر مبنای منافع سیاسی یا استراتژیک مشخص می‌شود. آنها همچنین توسط نگرانی عمومی و توجه رسانه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اولویت‌های جنگ در میان آژانس‌های بین‌المللی دولت‌ها و جوامع متأثر اغلب هماهنگی را محدود می‌کند. با از دست دادن کارکنان ماهر، دولت‌ها در کشورهای جنگ‌زده انجام برنامه‌های بازسازی را مشکل می‌بینند وقتی توافق صلح ناپایدار شکسته شده و جنگ‌ها طولانی می‌شوند، این مشکلات تشدید می‌شوند. محدودیت منابع و برنامه در جریان تغییر بین فعالیت‌های امدادی بشردوستانه و بازسازی و توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. اگر حقوق کودکان قرار است در کشورهای در حال بازسازی پذیرفته شود آژانس‌های UN و سازمان‌ها در حال فعالیت می‌باشند تا برنامه‌های عمومی را توسعه دهند و همکاری در بین خودشان و با سایر شرکا از جمله NGOs بین‌المللی و بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و کمیته کمک توسعه را گسترش دهند (Zack-Williams, ۲۰۰۶, p. ۱۲۸).

۶) **جلوگیری از جنگ:** بهترین روش برای حمایت کودکان از جنگ، جلوگیری از جنگ می باشد. جامعه بین‌المللی باید سکون سیاسی را متلاشی کند تا شرایط را برای جلوگیری از تشدید جنگ و ویرانی زندگی کودکان فراهم کند. این دلالت بر موردتوجه قرار دادن دلایل اصلی خشونت و حمایت از الگوهای ادامه پذیر و عادلانه پیشرفت انسانی دارد. زمانی که جنگ شروع می‌شود، تمام تلاش‌ها برای حمایت از کودکان می‌تواند فقط به کم کردن رنج کودکان کمک کند. در یک سطح بین‌المللی، توسعه عادلانه و ادامه پذیر، یک شرط لازم برای جلوگیری از درگیری جهانی می‌باشد. با وجود این، جامعه بین‌المللی برای ایجاد سرمایه‌گذاری‌های لازم آماده نشده است. امروزه ۱٫۲ میلیارد نفر در فقر مطلق زندگی می‌کنند که حداقل نصف آنها، کودکان می‌باشند.<sup>۳۲۹</sup> آموزش به عنوان اساسی برای پیشرفت صلح‌آمیز، نظارت خوب و اقتصاد سالم در نظر گرفته شده است و با وجود این، بیش از ۱۰۰ میلیون بچه که ۶۰ درصد آنها دختر هستند به آموزش دسترسی ندارند (Bar-Joseph, ۲۰۰۶, p. ۵۴۹). دولت‌ها، مسئولیت اصلی برای حمایت از کودکان مصیبت زده از طریق جلوگیری از وقوع جنگ به عهده می‌گیرند. مسئولیت نه تنها برای دولت‌های متخاصم بلکه برای دولت‌هایی است که شهروندان‌شان به طور غیرمستقیم برای ایجاد یا طولانی کردن درگیری‌ها به منظور پیشرفت اقتصادی یا سیاسی مسئول هستند. اگر قرار باشد حقوق کودکان حمایت شود، تمامی جوانب باید هم‌زمان باید حمایت شود. درحقیقت، اجرای حقوق کودکان بدون برآوردن حقوق انسانی اصلی خانواده و جوامع‌شان امکان‌پذیر نخواهد بود. با قرار دادن کودکان در اولویت برنامه توسعه، جامعه بهترین پایه احتمالی را برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

پیشرفت مهمی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی ظرف ۵ سال از زمانی که گزارش ۱۹۹۶ در مورد تأثیر جنگ روی کودکان به انجمن کل سازمان ملل متحد ارائه شد دیده شده است. نقطه عطف موفقیت‌ها می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. نقش کودکان اکنون برای برنامه امنیت و صلح جهانی بسیار مهم می‌باشد. سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی که همراه با دولت‌ها و سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند، مرحله به مرحله افزایش حمایت برای کودکان درگیر در جنگ را مدیریت کرده‌اند. قوانین بین‌المللی حمایت از کودکان جنگ‌زده را تقویت کرده است و فجایع به‌طور منظم‌تر اثبات و گزارش می‌شوند. تأثیرات شدید تحریم‌های گسترده آشکار و پایان دادن به این تحریم‌ها درخواست شده است.

افزایش سریع اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک که یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای بقای کودکان است در بالاترین سطح سیاسی در حال بررسی می‌باشد. میلیون‌ها مین انبارشده نابود شده‌اند و جهان بالاخره تأیید کرده است مصیبت وحشتناک کودکانی که با تأثیرات متعدد مخاصمات مسلحانه و HIV/AIDS دست و پنجه نرم می‌کنند. اما حتی وقتی حمایت برای کودکان مانند آب، غذا، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و پناهگاه تقویت می‌شود، منابع برای کمک توسعه و بشردوستانه کاهش می‌یابد و درگیری‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کند. علی‌رغم

مشکلات ظاهراً حل‌نشده‌ی، جوامع در حال بازسازی و کودکان در حال ایفای نقش مهمی می‌باشند.

با وجود همه اینها، حداقل ۲۰ میلیون بچه از خانه‌هایشان آواره شده‌اند و در ۸۷ کشور کودکان در میان آلودگی کشنده مین‌ها و مهمات منفجر نشده بزرگ می‌شوند. میلیون‌ها بچه از نظر جسمی و روانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و دختران و زنان همچنان نادیده گرفته می‌شوند و از جریان اصلی کمک و حمایت بشردوستانه محروم می‌شوند. به منظور کنار آمدن با مصیبت جنگ علیه کودکان ما خودمان در گرفتارهای آنها شریک می‌شویم هیچ کدام - نه سازمان ملل متحد، نه دولت‌ها یا گروه‌های اجتماعی - اقدامات کافی برای مقابله با زور، حرص و مصلحت‌سیاسی که با آن بزرگسالان از قربانی ننگین کودکان در جنگ حمایت می‌کنند انجام نداده‌اند.

جامعه بین‌المللی باید گرفتاری کودکان و زنان جنگ‌زده را با فوریت جدید مورد توجه قرار دهد. حمایت آنها یک موضوع برای مذاکره نیست کسانی که جنگ را آغاز می‌کنند، منطقی جلوه می‌دهند و حمایت می‌کنند باید محکوم شوند و بدون تردید به آن اندازه که کودکان باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند مسئول به شمار آیند. کودکان توانایی انتظار کشیدن را ندارند. در پایان برای بهبود وضعیت کودکان در دوران جنگ و حملات تروریست پیشنهاد می‌شود که کشورها باید پروتکل اختیاری بدون هیچ قید و شرطی را تأیید و اجرا کنند و آن را در قانون ملی‌شان برای کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه بگنجانند. برنامه‌ها برای خلع سلاح کردن، مرخص کردن و استقرار مجدد سربازهای بچه باید یک اولویتی را تعیین کند که در داخل و بیرون از محیط حفظ صلح قرار دهند. این‌ها باید شامل اقدامات خاص برای اطمینان دادن به حمایت بچه‌ها از سوءاستفاده و سربازگیری مجدد و مورد توجه قرار دادن نیازهای خاص دختران و کودکان معلول شود.

۳. دولت‌ها و گروه‌های مسلح باید از به خدمت گرفتن سربازهای بچه جلوگیری کنند و مرخص کردن و استقرار مجدد آنها را اطمینان دهد. برای این منظور، ثبت تولد مخصوصاً در میان کودکان پناهنده و آواره در داخل و کودکان وابسته به اقلیت‌ها ارتقا داده شود. همچنین جامعه بین‌المللی مجبور به فراهم کردن منابع انسانی و مالی توسعه‌یافته برای حمایت از نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد (RSG) برای افراد آواره داخلی مخصوصاً در تلاش‌هایش برای گسترش دادن مکانیسم‌های کنترل‌کننده برای حمایت مؤثرتر برطبق «اصول راهنما»، فراهم کردن مشاوره در مورد موانع مواجهه در حمایت از کودکان آواره در داخل و زنان، مداخله کردن با یک روش درست و آماده کردن واکنش‌های محلی و بین‌المللی مؤثر باشد برطبق تصویب کنوانسیون حقوق کودکان، ایالت‌ها ملزم به اختصاص دادن حداکثر منابع احتمالی برای کودکان از جمله برای بهداشت، تغذیه و آب هستند. این شرط به‌طور خاص در موقعیت‌های جنگ مهم می‌باشد و توسط بندهای ۲۴ و ۲۳ و ۲۸ و ۲۷ کنوانسیون تقویت می‌شود که به مسئولیت خاص جامعه بین‌المللی برای در دسترس قرار دادن منابع به منظور برآوردن نیازهای کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند.



در نهایت اینکه آژانس‌ها و گروه‌های اجتماعی جامعه باید دستورالعمل‌هایی را برای کارکنان شان ایجاد کنند تا در تعامل با رسانه‌ها که در مسئولیت‌شان به کودکان صدمه نخواهند زد مشارکت کنند و آژانس‌های بشردوست باید برنامه‌هایی را برای نوجوانان گسترش دهند تا با استفاده از تکنولوژی ارتباطی جدید آگاهی جامعه را در مورد بهداشت، آموزش و سایر زمینه‌های اساسی برای بقا در موقعیت‌های درگیری ارتقا دهند.

### منابع

- Almomhammad, A. (۲۰۱۸). *ISIS child soldiers in Syria: The structural and predatory recruitment, enlistment, pre-training indoctrination, training, and deployment*. The International Centre for Counter-Terrorism–The Hague, ۸, ۱-۲۹.
- Austin, J. E., & Bruch, C. E. (Eds.). (۲۰۰۰). *The environmental consequences of war: Legal, economic, and scientific perspectives*. Cambridge University Press.
- Bar-Joseph, U. (۲۰۰۶). Last chance to avoid war: Sadat's peace initiative of February ۱۹۷۳ and its failure. *Journal of Contemporary History*, ۴۱(۳), ۵۴۵-۵۵۶.
- Brett, Rachel, (۲۰۰۰), *Child soldiering: Questions and challenges for health professionals', draft, May ۲۰۰۰, a contribution to world health organization, world report on violence and health, WHO, forthcoming in ۲۰۰۲*
- Carpenter, T. G. (۲۰۱۳). Tangled web: The Syrian civil war and its implications. *Mediterranean Quarterly*, ۲۴(۱), ۱-۱۱.
- Dormann, K., & Maresca, L. (۲۰۰۴). The International Committee of the Red Cross and Its Contribution to the Development of International Humanitarian Law in Specialized Instruments. *Chi. J. Int'l L.*, ۵, ۲۱۷.
- Elsafti, A. M., van Berlaer, G., Al Safadi, M., Debacker, M., Buyl, R., Redwan, A., & Hubloue, I. (۲۰۱۶). Children in the Syrian civil war: the familial, educational, and public health impact of ongoing violence. *Disaster medicine and public health preparedness*, ۱۰(۶), ۸۷۴-۸۸۲.
- Forrest, W., Edwards, B., & Daraganova, G. (۲۰۱۸). The intergenerational consequences of war: anxiety, depression, suicidality, and mental health among the children of war veterans. *International journal of epidemiology*, ۴۷(۴), ۱۰۶۰-۱۰۶۷.
- Frías, A. S. (۲۰۲۰). Bringing Terrorists to Justice in the Context of Armed Conflict: Interaction between International Humanitarian Law and the UN Conventions Against Terrorism. *Israel Law Review*, ۵۳(۱), ۷۱-۹۹.
- Heinke, D. H. (۲۰۱۷). German foreign fighters in Syria and Iraq: The updated data and its implications. *CTC Sentinel*, ۱۰(۳), ۱۷-۲۲.
- Kastrup, M. C. (۲۰۰۶). Mental health consequences of war: gender specific issues. *World Psychiatry*, ۵(۱), ۳۳.

- Kellezi, B., & Reicher, S. (۲۰۱۴). The double insult: Explaining gender differences in the psychological consequences of war. *Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, ۲۰(۴), ۴۹۱.
- Liu, M. (۲۰۱۷). War and children. *American Journal of Psychiatry Residents' Journal*, ۱۲(۷), ۳-۵.
- Meiqari, L., Hoetjes, M., Baxter, L., & Lenglet, A. (۲۰۱۸). Impact of war on child health in northern Syria: the experience of Médecins Sans Frontières. *European Journal of Pediatrics*, ۱۷۷(۳), ۳۷۱-۳۸۰.
- Murthy, R. S., & Lakshminarayana, R. (۲۰۰۶). Mental health consequences of war: a brief review of research findings. *World psychiatry*, ۵(۱), ۲۵.
- Odermatt, J. (۲۰۱۳). *Between Law and Reality: New Wars and Internationalised Armed Conflict*. Amsterdam LF, ۵, ۱۹.
- Palmer, M., Nguyen, C. V., Mitra, S., Mont, D., & Groce, N. E. (۲۰۱۹). Long-lasting consequences of war on disability. *Journal of Peace Research*, ۵۶(۶), ۸۶۰-۸۷۵.
- Phadera, L. (۲۰۲۱). Unfortunate moms and unfortunate children: Impact of the Nepali civil war on women's stature and intergenerational health. *Journal of Health Economics*, ۷۶, ۱۰۲۴۱۰.
- Reicherter, D., & Sugarbaker, R. (۲۰۱۳). *Mental Health Consequences of War and Political Conflict*. In International Handbook of Psychiatry: A Concise Guide for Medical Students, Residents, and Medical Practitioners, ۸۶۵-۸۸۵
- Sahib, S. (۲۰۱۷). *Syrian Refugee Women: The Devastating Consequences of War Terror on Women and Children*. Southern Connecticut State University.
- Sahin, E., Dagli, T. E., Acarturk, C., & Dagli, F. S. (۲۰۲۰). Vulnerabilities of Syrian refugee children in Turkey and actions taken for prevention and management in terms of health and wellbeing. *Child Abuse & Neglect*, ۱۰۴۶۲۸.
- Sandelowsky-Bosman, C., & Liefwaard, T. (۲۰۲۰). Children trapped in camps in Syria, Iraq and Turkey: Reflections on jurisdiction and state obligations under the United Nations Convention on the Rights of the Child. *Nordic Journal of Human Rights*, ۳۸(۲), ۱۴۱-۱۵۸.
- Seet, M. (۲۰۲۱). 'Cosmopolitan Citizenship', Territorial Borders, and Bringing Denationalized Terrorists to Justice. *Journal of International Criminal Justice*.
- Shaw, J. A. (۲۰۰۳). Children exposed to war/terrorism. *Clinical child and family psychology review*, ۶(۴), ۲۳۷-۲۴۶.
- Singer, P. W. (۲۰۰۵). The new children of terror. The making of a terrorist, ۱۰۵-۳۹۰.
- Sujashvili, D. (۲۰۲۰). Possible Use of Children in International Terrorism. *Bull. Georg. Natl. Acad. Sci*, ۱۴(۴): ۱۴۶-۱۵۴

- Taleb, Z. B., Bahelah, R., Fouad, F. M., Coutts, A., Wilcox, M., & Maziak, W. (۲۰۱۵). Syria: health in a country undergoing tragic transition. *International journal of public health*, ۶۰(۱), ۶۳-۷۲.
- Taskarina, L. (۲۰۲۰). Women Victimization on Islamic State of Iraq and Syria (ISIS): A Critical Analysis on Terrorist Wives. *Journal Keamanan Nasional*, ۶(۱), ۱-۲۳.
- Tekeli-Yesil, S., Isik, E., Unal, Y., Aljomaa Almossa, F., Konsuk Unlu, H., & Aker, A. T. (۲۰۱۸). Determinants of mental disorders in Syrian refugees in Turkey versus internally displaced persons in Syria. *American journal of public health*, ۱۰۸(۷), ۹۳۸-۹۴۵.
- Vernier, L., Cramond, V., Hoetjes, M., Lenglet, A., Hoare, T., Malaeb, R., & Martin, A. I. C. (۲۰۱۹). High levels of mortality, exposure to violence and psychological distress experienced by the internally displaced population of Ein Issa camp prior to and during their displacement in Northeast Syria, November ۲۰۱۷. *Conflict and health*, ۱۳(۱), ۱-۹.
- Vindevogel, S., Wessells, M., De Schryver, M., Broekaert, E., & Derluyn, I. (۲۰۱۴). Dealing with the consequences of war: Resources of formerly recruited and non-recruited youth in northern Uganda. *Journal of Adolescent Health*, ۵۵(۱), ۱۳۴-۱۴۰.
- Wolf, A. T. (۱۹۹۹). "Water wars" and water reality: conflict and cooperation along international waterways. In *Environmental change, adaptation, and security* (pp. ۲۵۱-۲۶۵). Springer, Dordrecht.
- World Health Organization. (۱۹۹۹). *Report of the consultation on child abuse prevention*, ۲۹-۳۱ March ۱۹۹۹, WHO, Geneva (No. WHO/HSC/PVI/۹۹,۱). World Health Organization.
- Zack- Williams, T. B. (۲۰۰۶). Child Soldiers in Sierra Leone and the problems of demobilisation, rehabilitation and reintegration into Society: Some Lessons for Social Workers in war- torn societies. *Social Work Education*, ۲۵(۲), ۱۱۹-۱۲۸.